

دفاع ملی و نقد مسئولانه حاکمیت



موسی اکرمی

استاد فلسفه

بیان این سخنان از موضع نقد مسئولانه ساختار، عملکرد و کارگزاری حاکمیتی است که در نمایندگی راستین مردم، آرمان‌های انقلابی، ناکارآمدی و از دست دادن اعتماد عمومی، کشور و خود را دچار بحران کرده است. از همین موضع است که نمی‌توان در برابر سکوت بسیاری از روشنفکران و دانشگاهیان در رویارویی با تهدیدهای آشکار خارجی خاموش ماند. در این مجال اندک می‌کوشم نشان دهم چگونه در هر کشور می‌توان هم به نقد قدرت داخلی پرداخت، هم در برابر تجاوز خارجی و توجیه آن ایستاد.

▀ **سه‌گانه آزادی، عدالت، صلح در چارچوب باور به کرامت انسان**

من به فلسفه صلح ویژه‌ای باور دارم که عناصر بنیادین آن می‌توانند دستورنامه شهروندان هر کشوری حتی اسرائیل، باشند: (۱) صلح فعال و اخلاقی استوار بر پیوند میان آزادی، عدالت و صلح انسان گزایانه. (۲) تمایز مفهومی و اخلاقی میان «ملت» و «کشور» و «حکومت» و قاتل شدن اولویت برای ملت و کشور نسبت به حاکمیت و داوری درباره حاکمیت بر پایه کیفیت نمایندگی آن برای ملت و کشور و میزان انطباق ساختار و کارکرد آن با منافع گوناگون ملت و کشور. (۳) میهن‌دوستی استوار بر منافع میهن و همه شهروندان آن، و دفاع از کشور با حفظ کرامت ملی، نه تکیه بر حکومت. (۴) انترناسیونالیسم استوار بر همبستگی، نیکخواهی و اخلاق جهانی فراملی. از این‌رو با دوری گزینی از هرگونه تنگ‌نظری و تعصب ملی گزایانه یا نژادپرستانه، صلح راستین نه صرف نبود جنگ و حتی خشونت، بلکه فرآورده پیوند پویای آزادی، عدالت و نیک‌خواهی در دو تراز ملی و جهانی است، که هرگونه دفاع از میهن نه اطاعت از حکومت است، نه بدخواهی غیراخلاقی، دور از آزادی خواهی و عدالت‌طلبی برای دشمن.

▀ **موضع‌گیری در برابر تجاوز خارجی**

تجاوز خارجی مفهومی شناخته شده در چارچوب حقوق بین‌الملل است که هیچ انطباقی با دو گونه جنگ مجاز، یعنی جنگ عادلانه دفاعی و دخالت جنگی بشردوستانه استوار بر مجوز بین‌المللی ندارد، و با هیچ مستمسک دیگری، از جمله حمله پیش‌دستانه، قابل توجیه نیست. از این‌رو از هر شهروند میهن‌دوست بر خوددار از سلامت عقلی و اخلاقی در هر کشور انتظار می‌رود در برابر هرگونه تجاوز به میهن بایستد و گرنه با منفعل است یا همکار نیروی متجاوز که در این صورت «خائن» نامیده می‌شود.

▀ **مقابله با تجاوز خارجی و نقد حکومت**

دفاع از میهن همانا دفاع از هم‌میهنان، یکپارچگی سرزمینی و کرامت ملی است که در معرض تهدید قرار گرفته‌اند. میهن پرستان راستین در هر کشور به نسبت کم و کیف یاری‌رسانی حاکمیت به امر دفاع و تأمین منافع ملی راستین متحدان حاکمیت‌اند و از آن حمایت می‌کنند.

▀ **مواضع ۹ گانه**

در پیوند با تجاوزی که مطابق حقوق بین‌الملل هیچ تردیدی در محکومیت آن وجود ندارد، می‌توان ۹ گروه را با مواضع خاص برشمرد که من خود به گروه نهم تعلق دارم: (۱) حاکمیت و طیف کارگزاران و طرفداران آن که با در جات گوناگونی از نگرش یک‌جانبه‌نگرانه ایدئولوژیک و سیاسی حاکم، نیروهای ذری‌بط نظامی و غیرنظامی کشور را که در فرمان دارند برای مقابله، با هر کم و کیفی، بسیج کرده‌اند. (۲) مدافعان تجاوز، با این توجیه که اسرائیل در برابر تهدید حکومت ایران حق حمله داشته است. کمترین آشنایی با حقوق بین‌الملل نافعی چنین حقی برای اسرائیل آن است. (۳) سرنگونی طلبان گوناگون که حمله اسرائیل را در خدمت سرنگونی حکومت و رهایی ایرانیان می‌دانند. (۴) تفکیک‌کنندگان جنگ با حکومت از جنگ با مردم. این گروه جنگ اسرائیل را جنگ با حاکمیت ایران می‌دانند غافل از این که در همه تاریخ و اسناد بالادستی بین‌المللی حمله به هر کشوری با هرگونه حاکمیتی حمله به همان کشور تلقی شده است. (۵) سرگردانان. این گروه نمی‌دانند چه موضعی را اتخاذ کنند؛ آنان همه دل‌چرکین از حکومت‌اند، هم از جنگ هراسان‌اند. (۶) صلح‌طلبان مستقل منتقد هر دو سو. این گروه هم مخالف حکومت‌اند، هم مخالف حمله اسرائیل. شماری از آنان منفعل باقی می‌مانند و شماری دست به نقد هر دو سو می‌زنند. (۷) رئالیست‌های ژئوپلیتیکی، که مبنای تحلیل آن‌ها اخلاق و عدالت نیست، بلکه در گونه‌ای نگرش ماکیاولیستی تنها به منافع قدرت‌ها توجه دارند. (۸) غایت‌طلبان، که فرصت‌طلبانه در سپهر همگانی سکوت می‌کنند و در انتظارند که اگر قرار بر اعلام موضعی باشد، به سود طرفی که پیروز ماجراست موضع‌گیری کنند. (۹) باورمندان به جنگ و صلح عادلانه، که هم مخالف تجاوز، هم منتقد جدی سیاست‌های حاکمیت در چارچوب اتحاد و انتقادند، با این امید که شمار هرچه بیشتری از درون حکومتیان نفع‌تها این نقدها را تاب آورند بلکه خود به جریان نقد بپیوندند تا با تغییرات لازم، با هر کم و کیف مطلوبی، حاکمیت به نماینده راستین مردم و کشور و دفاع آن از کشور به دفاع راستین ملی تبدیل شود.

فرهنگ ۱۱۴

صلح درخارج مصالحه درداخل

گفتارهایی از نظریه‌پردازان و استادان دانشگاه در ضرورت صلح ایرانی در برابر تجاوز خارجی



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

نشست «صلح ایرانی در برابر تجاوز خارجی» به همت انجمن علمی مطالعات صلح ایران و با همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی، روز شنبه هفتم تیرماه ۱۴۰۴ در سالن حافظ خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. در این نشست موسی اکرمی استاد فلسفه، نعمت‌الله فاضلی استاد مردم‌شناسی، عبدالامیر نبوی دانشیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، ماندانا تیشه‌یار استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، بهرام امیراحمدیان استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، محمد منصورنژاد دین‌پژوه و دکتری اندیشه سیاسی، جواد رنجبر شاهنامه‌پژوه و دکتری علوم سیاسی و امیرھوشنگ میرکوشش، استادیار روابط بین‌الملل دانشکده آزاد اسلامی واحد شاهرود به ایراد سخنرانی پرداختند و ضمن محکومیت همه‌جانبه حمله اسرائیل به ایران، هر یک از منظر تخصص خود کوشیدند به ابعاد مختلف این جنگ بپردازند. در ادامه خلاصه‌ای از گزارش این نشست تقدیم خوانندگان روزنامه «هم‌میهن» خواهد شد.

▾ **دموکراسی بودن اسرائیل شایعه است**

جواد رنجبر، پژوهشگر سیاسی: محمدعلی جمال‌زاده می‌گفت من شش‌سال بعد از پایان جنگ جهانی دوم بلند شدم، خودم را تک‌اندوم و فهمیدم که هنوز زنده‌ام. ما ۱۲ روز در جنگ بودیم و اینک خود را می‌تکانیم. این جنگ البته از نظر بعضی استناداردها بسیار وحشیانه‌تر از جنگ جهانی دوم بود، بنابراین از نظر احساسات ما و ناگهانی‌بودن جنگ نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شود. محکومیت حمله اسرائیل به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی تردیدبردار نیست و با هیچ توجیهی نمی‌توان این حمله را پذیرفت. هر نوع تایید حمله نیز تاییدی ایران‌ستیزانه است. اسرائیل همواره ماهیتی تروریستی داشته، بنابراین سازمانی تروریستی به ایران حمله کرده است. محکومیتی تروریست و نژادپرست صلح در جهان عمل کرده و حکومتی تروریست و نژادپرست است. دموکراتیک بودن این کشور نیز یکی از شایعات بزرگ است. اصلاً از دل دموکراسی هرگز تروریسم بیرون نمی‌آید. یکی از اهداف اسرائیل، تجزیه ایران است و این نگرانی را در مطبوعات ترکیه نیز می‌توان دید که بعد از ایران، نوبت ترکیه خواهد بود.

این نیز که حمله خارجی به مسائل داخلی ایران ربط داده می‌شود، ناشی از پریشانی نظری رایجی در ایران است و آن تفکیک‌کردن امر سیاسی و امر ملی است. امر سیاسی (داخلی) و امر ملی، دو امر کاملاً متفاوت هستند. در امر داخلی رقبا با یکدیگر رقابت می‌کنند اما امر ملی به تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و غرور و حیثیت ملی معطوف است. فرض کنیم که این فکر ساده‌لوحانه محقق شود و اسرائیل ما را به آزادی برساند. سوال این است که آیا ننگ این آزادی به دست صهیونیسم را می‌توانیم در تاریخ خود تحمل کنیم؟ درنهایت باید گفت، در این جنگ خودآگاهی ملی به طور

جدی پدیدار شد و این اتفاقی است بسیار مهم. بنابراین در کنار خسارت‌های عمده‌ای که به کشور وارد شد، همین که از خودآگاهی ملی و ملت‌بودگی خویش دوباره اطمینان پیدا کردیم، مغتنم است.

▾ **ایرانی با متجاوز همدم نمی‌شود**

نعمت‌الله فاضلی، استاد مردم‌شناسی: آلن بدیو مفهومی دارد به‌نام «رخداد حقیقت». او معتقد است چیزهایی هست که وقتی اتفاق می‌افتند، حقایق برملا می‌شوند. برای نمونه وقتی نظریه‌نسبیت یا الکتروسیسته کشف شد، حقایقی از جهان بر ما آشکار شد. منظور بدیو از حقیقت، چیزهایی است که وجود دارند و ما آنها را نمی‌شناسیم. بدیو معتقد است با رخدادها در ساحت اکتشافات علمی، انقلاب‌های سیاسی، ظهور سبک‌های هنری جدید و جنگ‌ها، حقایقی آشکار می‌شوند که مردم عادی، رسانه‌ها، فیلسوفان و محققان بیش‌تر قادر به عریان کردن و رویت‌پذیری آن نبودند. تجاوز اسرائیل به ملت ایران نیز رخدادی تاریخی است زیرا حقایقی را بر ما آشکار ساخت و از این پس بسیاری این رخداد را مبنای سخن‌هایی جدید درباره ایران و جهان عنوان خواهند کرد.

در ادامه می‌خواهم در پرتو صلح ایرانی پرده‌هایی را که این رخداد آشکار کرد، ذکر کنم. مقصودم البته نه دفاع از جمهوری اسلامی است، نه سرپوش گذاشتن بر خطاها و بر خوردهای سیستم، در مقام یک مردم‌نگار می‌خواهم بگویم، تجاوز آمریکا و اسرائیل به ملت ایران چه چیزهایی را رویت‌پذیر کرد.

بدیل صلح ایرانی چیست؟ یکی صلح رومی است، یعنی صلحی بر پایه زور که ترامپ از آن حرف می‌زند و می‌خواهد طرفین را تسلیم کند. صلح ایرانی، اما بر زور استوار نیست بلکه بر فرهنگ متکی است. به قول مهندس بهشتی وقتی در معماری و آشپزی می‌گوییم مصالح، ریشه آن از صلح است. یعنی ایرانی‌ها خشت و گل را ماده صلح می‌دانند. در سفره ایرانی نیز چنین است. تجاوز اسرائیل به ملت ایران این حقیقت را آشکار کرد که مردم ایران در ناخودآگاه ذهن جمعی خود از راه معاشرت، گفت‌وگو، مذاکره، زبان و به قول داریوش شایگان، از راه شاعرانگی اش، در پی صلح هستند، نه با به‌رانو درآوردن دیگری. این از روی ضعف نیست. در فرآیند همین تجاوز، ایران در حال مذاکره به‌طور شفاف، منطقی و مستدل بود. البته مواردی در تاریخ ما بوده که ما نیز متجاوز بوده‌ایم اما در کلیت تاریخ ایران این زبان است که در حال نقش‌آفرینی است. ما بر بال زبان زندگی کرده‌ایم. شمشیر، تعیین‌کننده نهایی تصمیم‌های سرزمین ما نیست. البته ممکن است کسانی بگویند ما به زور و پول نیاز داریم. تاریخ ایران اما بر قدرت زبان استوار شده است. این چیزی است که کسانی چون ویلیام بیمن نیز در کتاب «زبان، منزلت و قدرت در ایران» آن را شرح داده‌اند که قدرت نهایی در ایران در زبان است. این را در این رخداد نیز دیدیم.

مردم ایران در این جنگ اخلاق مراقبتی در پیش گرفتند و خانه‌های خود را به روی یکدیگر گشودند. این از فرهنگ و اعتماد اجتماعی تاریخی‌مان به یکدیگر می‌آید. در این جنگ نگفتیم تُرک و کرد، شیعه و سنی و... پیش از این فکر می‌کردیم خیلی امتیزه و خودخواه شده‌ایم. با این جمله به تنظیمات فرهنگی خود بازگشتیم و آغوش خود را برای یکدیگر باز کردیم. با وجود تبلیغات تلویزیون موسادیعنی «ایران اینترنشنال» برای شورش مردم، این اتفاق نیفتاد. می‌دانیم که مردم از سیستم و عملکرد آن عمیقاً ناراضی، خشمگین و برخی حتی متنفر هستند اما چه اتفاقی افتاد که ایرانیان چنین دعوتی را نپذیرفتند؟ به‌نظرم روح زندگی‌ای در ایرانیان وجود دارد که در اعتراضات ۱۴۰۱ نیز نقطه محوری بود. مردم ایران زندگی را پاس می‌دارند و به چیزی که مخالف زندگی باشد، جواب رد می‌دهند. اینجا نیز مردم نشان دادند شعارشان زندگی است و دنبال ویرانی، جنگ و کشتار نمی‌روند. به قول داریوش شایگان، در روح هر ایرانی خیامی زندگی می‌کند و این روح، روح شادی، زندگی، طراوت،



اجرای ارکستر سمفونیک تهران در برج آزادی، عکس: ایرنا

شاعرانگی و خلاقیت است. ایرانی نمی‌تواند تجاوز به زندگی خود را بپذیرد و با متجاوز همدم شود. روح جمعی ایرانی این را نپذیرفت. خطاهای جمهوری اسلامی را نیز نباید نادیده گرفت و این جنگ این خطاها را نیز برملا کرد. حکومت در این جنگ متوجه شد که با ملت ایران می‌تواند کشور را نجات بدهد. بنابراین جمهوری اسلامی هم باید دریابد که دیگر نمی‌تواند بر اساس تندروی‌های مذهبی عمل کند. سیستم باید تفاوت‌های هویتی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی و سبک‌های متنوع زندگی را به‌رسمیت بشناسد. بعد از این باید همه ایرانیان؛ چه مذهبی و چه سکولار، چه محجبه و چه بی‌حجاب، شهروندان عزیز ایران باشند. این تجاوز آشکار کرد که باید همه، شهروندان عزیز ایران باشند تا بتوانیم در این دنیا که قانون جنگل بر آن حاکم است، از خود مراقبت کنیم. در چنین دنیایی واژه «ملی» ارزشی بنیادین پیدا کرده است و ما اشتباه کردیم که نام «ملی» را از نهادهایی چون مجلس شورا و دیگر نهادها برداشتیم. امیدوارم که سیستم معیارهای ایدئولوژیک‌اش را از سر شهروندان بردارد و به‌گرایش‌ها و رانته‌ها پایان بدهد. این نیز برای بقا و دفاع از ملت ایران، ضروری است.

▾ **صلح ایرانی صلحی نرم است**

بهرام امیراحمدیان، استادیار جغرافیای سیاسی: جنگی که رخ داد، وحدت ملی قدرتمندی را رقم زد. امیدوارم این وحدت میان ادیان، اقوام و همه گروه‌ها حفظ شود. برای برقراری صلح اما باید از جنگ جلوگیری کرد. صلح بعد از جنگ می‌آید. پروفیسور کریستین برنارد در دهه ۱۹۷۰ در آفریقای جنوبی موفق شد نخستین عمل پیوند قلب را انجام بدهد. در حادثه‌ای، جوانی دچار ضربه مغزی شده بود و قلب او را به پیرمرد ثروتمند آمریکایی پیوند زدند. سال‌ها بعد وقتی دیدند برنارد در میتینگی سیاسی شرکت کرده است، از او پرسیدند چرا به دنبال جراحی و تخصص خود نمی‌روی و به اینجا پا گذاشته‌ای؟ پاسخ داد، من تلاش زیادی کردم و تجربه و علم اندوختم و دیدم چگونه می‌شود عمل پیوند قلب را انجام داد و جلوی مرگ پیرمردی آمریکایی را گرفتم و عمرش را طولانی‌تر کردم. در عین حال اما دیدم که سیاستمدارانی هستند که جنگ برپا می‌کنند و هزاران جوانی را که قلب آنها می‌تواند سال‌ها بتپد، از زندگی بازمی‌دارند. پس متوجه شدم بهترین کار، دخالت در همین امر سیاسی است تا بتوان از جنگ جلوگیری کرد. کلان‌رویش، یکی از فرماندهان ارتش پروس در قرن نوزدهم، می‌گوید جنگ ادامه همان سیاست است اما به زبانی دیگر. کیسینجر هم می‌گوید: جنگ اقتدر مهم نیست که به دست نظامیان اداره شود. به همین دلیل هم وزرای دفاع کشورها به غربی، غیرنظامی هستند.

فردوسی برای دوستی و دشمنی از دو واژه استفاده می‌کند؛ یکی نهال و دیگری درخت. می‌گوید «درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد/ نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد». ایرانیان نیز در طول تاریخ همیشه به دنبال صلح بودند، نه جنگ. از قرن سوم پیش از میلاد یعنی حمله اسکندر، ما مورد تجاوز قرار گرفتیم اما تجاوزگران با زندگی در میان مردم در فرهنگ ایرانی مستحیل شدند و بعد از کوچ از ایران، ایران‌زده شدند و آثار فرهنگی ایرانی در این مهاجمان دیده می‌شود. این نشانگر صلح‌طلبی ملت ایران است. چنین تجربه‌ای را اعراب، غزنویان و سلجوقیان نیز داشتند.

بنابراین صلح ایرانی، صلح نرم است. این جنگ، جنگ بدون جبهه و تروریستی بوده است؛ جنگی ناجوانمردانه و با تجهیزات جدید جنگی موج چهارمی که به ما نشان داد، ما تنها هستیم. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دولتی مقوم در ایران، نه متحد استراتژیک دارد، نه متحد ایدئولوژیک و فقط متکی به ملت ایران است. در جهان اسلام از غرب آفریقا تا شرق آسیا، جهانی است نامتجانس که هیچ‌گاه موفق نشده کاری از پیش ببرد. بنابراین هر واحد سیاسی باید به ملت‌اش متکی باشد و جمهوری اسلامی هم